


سلام آقای شهبازی عزیز 

خدایا قوت بده به شما و همکاران، همیاران، کودکان، جوانان و گروه‌هایی که این برنامه را پشتیبانی می‌کنند.

نباشد عیب پرسیدن، تو را خانه کجا باشد؟
نشانی ده اگر یابیم و آن اقبال ما باشد
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۵۶۷)

در برنامه ۹۵۶ شما فرمودید تنها سوالی که از آن منع نشدیم و عیبی ندارد و به تبدیل شدن ما از هشیاری جسمی به هشیاری حضور کمک می‌کند، این سوال است، که خدایا خانه تو کجاست؟! در سوال بمانید و نخواهید جواب ذهنی به سوال بدهید. هر جواب ذهنی ما را بیشتر اسیر ذهن نگه می‌کند. وقتی نشانه‌ای از یار بر تو آشکار شود و تو آن اقبال را موقعی بدست می‌آوری که نشان را مانند گنجی پیش خودت نگه داری و به هیچ وجه از دست ندهی. سوال این است «من کی هستم؟» سه تا نقطه بگذاری، خدا این جواب رو برایت پر می‌کند. البته، به منزله این نیست که با مرکز همانیده این سوال رو از خودت بکنی و منتظر جواب خدا باشی.

من هم این سوال را دبروز از خودم کردم و فقط از خدا خواستم نشانه آن را برایم بفرستد و من هم از آن نشانه پاسبانی کنم و مدام آن را مد نظر خودم داشته باشم. با وجود این که بارها و بارها نشانه‌هایی از طرفش به من رسید، ولی من از آن نشانه‌ها خوب نگهداری نکردم و به فراموشی سپردم. ان شاء الله که این نشانه را خوب نگه دارم و مثل گنج از آن محافظت کنم، به موقع از آن استفاده کنم. امروز که داشتم به گذشته و آینده می‌رفتم به من این نشانه رسید:

نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي رَسِيدَةً
غم بيش و غم کم را رها کن
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۹۰۵)
- نفخت فیهِ مِنْ رُوحِي: از روح خود در او دمیدم. اشاره به آفرینش آدم است.

بارها وقتی دیگران رو «خبر و سنی» می‌کردم این پیام یا نشانه‌ای از خدا برایم فرستاده می‌شد، ولی من یا به آن توجه نمی‌کردم یا اگر توجه می‌کردم، بعد از مدتی از یادم می‌رفت.

تا کنی مر غیر را خبر و سنی
خویش را بدخو و خالی می‌کنی
- (مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۱۹۶)
- خبر: دانشمند، دانا
- سنی: رفیع، بلند مرتبه

مردۀ خود را رها کرده‌ست او
مردۀ بیگانه را جوید رفو
- (مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۱)

دیده‌آ، بر دیگران، نوحه‌گری
مدتی بنشین و، بر خود می‌گری
- (مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۴۷۹)

در گوی و در چهی ای قَلْتَبَان
دست وادار از سببال دیگران
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۲۳۵)

دوستدار همیشگی شما و گنج حضوری‌ها
سوری، از اصفهان (بندر انزلی)